فیلم‌کده

آخر هفته چی ببینیم؟

رسانه ملی و پلتفرم‌ها رقابت تنگاتنگی برای پخش و انتشار برنامه‌های سرگرم‌کننده برای پرکردن اوقات فراغت خانواده‌ها دارند. از انواع فیلم و سریال در ژانرهای مختلف گرفته تا مسابقات جذاب و سرگرمی‌های مهیج. برخی برنامه‌ها که تماشایشان آخر هفته و تعطیلات متفاوتی برایتان بسازد را مرور کرده‌ایم.

سریال

رحیل

کارگردان: مسعود آب‌پرور

ژانر: درام/تاریخی

تهیه‌کننده: رامین عباسی‌زاده

بستر پخش: شبکه ۳سیما

معرفی: یک سریال تاریخی است که درونمایه عاشورایی داشته و روایتی از اواخر دوران قاجار و اوایل دوران پهلوی را به مخاطب ارائه می‌دهد. قصه با برگشتن زنی از دربار قاجار به نام مها از سفر کربلا شروع شده و در ادامه مها سعی دارد تا زنان دیگر دربار قاجار را با خودش همراه کند و تعزیه‌ای عاشورایی برپا کند.

برنامه

از سرگذشت

کارگردان: محمد پیوندی

مجری: علی‌اکبر قلیچ

ژانر: اجتماعی/گفت‌وگو محور

بستر پخش: شبکه ۲

معرفی: این برنامه، دو راهی‌های زندگی افراد را روایت می‌کند؛ مجالی که یک تصمیم می‌تواند شکل زندگی یک انسان را تغییر دهد و او را به چالش بکشد؛ دوراهی‌هایی که بارها در طول تاریخ تکرار شده است و انتخاب‌ها تعیین کرده‌اند که افراد در سپاه امام حسین(ع) قرار می‌گیرند یا با یزید و یارانش همراه می‌شوند.

سریال

جزیره جادویی پیکولو

کارگردان: علی احمدی

ژانر: فانتزی/کودکانه

تهیه‌کننده: مصطفی و محسن کیایی

بستر پخش: فیلیمو

معرفی: پیکولو جزیره‌ای جادویی است که هر چند وقت یک‌بار موجودی را به درون خود می‌کشد. هربار که فرد جدیدی به پیکولو پرتاب می‌شود، رُز (جادویی‌ترین گل جزیره پیکولو) گل می‌دهد و دیگر اهالی را مطلع می‌کند. در پیکولو نیز موجودات عجیب و متنوعی زندگی می‌کنند، هر موجود داستان و ویژگی‌های خاص خودش را دارد. روزی «پیکی» حین پاراگلایدرسواری داخل ابرها کشیده می‌شود و به پیکولو سقوط می‌کند. پس از سقوط، اهالی پیکولو او را پیدا کرده و رسماً شهروند پیکولو می‌شود. پیکی اما دیگر از گذشته خود چیزی به یاد نمی‌آورد. او به مرور با اهالی پیکولو (مخترع، پانچو، شالی، واکرو و ته‌غاری‌ها) آشنا می‌شود و آنها در هر قسمت با یک موضوع و چالش جدید روبه‌رو می‌شوند.

سریال

عقرب عاشق

کارگردان: حسین سهیلی‌زاده

ژانر: تخیلی/درام

تهیه‌کننده: رضا محقق

بستر پخش: نماوا

معرفی: در داستان شخصی به‌نام بهداد به‌دلیل رخدادهایی فوت می‌کند و پس از مرگ، جسد او به سردخانه منتقل می‌شود تا مراسم خاکسپاری او انجام شود. اما هنگامی که همه‌چیز به پایان می‌رسد، جسد بهداد ناپدید می‌شود و پس از مدتی، او سالم و سلامت در خیابان‌های تهران دیده می‌شود، اما رفتار عجیبی دارد و به‌دنبال خون می‌گردد. بهداد به‌دنبال عقرب است و این باعث می‌شود تا داستان سریال به یک ماجرای هیجان‌انگیز و پر از رمز و راز تبدیل شود.

عمود صِفر، در قاب شبکه قرآن

«عمود صِفر» در ۱۵ قسمت ۱۵ دقیقه ای با اجرای سیدمهدی تحویلدار در ایام اربعین حسینی از شبکه قرآن پخش خواهد شد. این برنامه از روز شنبه ۱۱ شهریورماه در ساعت ۰۷:۴۵ صبح به روی آنتن شبکه قرآن می‌رود. بازپخش آن نیز ساعت ۱۳ خواهد بود.

بازپرس، پربیننده‌ترین سریال صداوسیما شد

مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما گزارشی از وضعیت سریال‌های سیما از نگاه مخاطبان تهیه کرده است که براساس آن «بازپرس» با ۲۲،۵ درصد بیننده در میان پاسخگویان این نظرسنجی، پرمخاطب‌ترین سریال سیما شده است. پس از بازپرس «عشق کوفی» با ۱۳،۴ درصد بیننده، در جایگاه دوم قرار گرفته است.

گفت‌وگو با فرزاد جمشیدی
مجری برنامه نشان ارادت

با افتخار مجری معارفی هستم!

گفت‌وگو: پریسا نوری، روزنامه‌نگار

از مجریان پیشکسوت تلویزیون به‌حساب می‌آید که با سبک اجرای خاص و قصه‌گونه‌اش در برنامه‌های سحرگاهی تلویزیون به شهرت رسید. فرزاد جمشیدی که با وجود اجرای برنامه‌های ماه رمضان امسال دوباره در برنامه‌های سحری از قاب تلویزیون و کنار سفره‌های سحری مهمان خانه‌های مردم بود. با این مجری که اخیرا هم با برنامه «نشان ارادت» و ویژه برنامه اربعینی «کوی محبت» از شبکه ۲در قاب جادویی حاضر شده، گفت‌وگو کرده‌ایم.

آقای جمشیدی بعد از حدود ۴سال غیبت به تلویزیون برگشتید، درست است؟

بله توفیق داشتم که سال ۱۴۰۰ برای اجرای برنامه «روز حسین» به تلویزیون برگردم. در دهه کرامت سال گذشته هم ویژه‌برنامه «باران» و امسال هم برنامه سحرگاهی شبکه ۲را اجرا کردم و در حال حاضر هم با برنامه‌های نشان ارادت و کوی محبت در خدمت مردم هستم. البته این را اضافه کنم که من هیچ وقت از سازمان نرفته بودم و در زمان غیبتم در برنامه‌های تلویزیونی مشغول آموزش مهارت‌های تخصصی اجرا بودم.

برای رسیدن به مرحله مجری‌گری در تلویزیون چه مسیری را گذراندید؟

کارم را از روزنامه‌نگاری شروع کردم. اوایل دهه ۷۰ در صفحه جبهه و جنگ و نقد فیلم روزنامه‌های همشهری، جام‌جم، رسالت و کیهان قلم می‌زدم چون فیلمنامه‌نویسی می‌خواندم سال ۱۳۷۵ به‌عنوان کارشناس هنری به رادیو تهران و رادیو پیام دعوت شدم. سال ۱۳۷۷ برای اجرای یک برنامه گفت‌وگومحور سیاسی به شبکه ۴سیما رفتم، مدتی در شبکه قرآن بودم و در نهایت سال ۱۳۸۱ با اجرای برنامه «تا مهر» وارد شبکه یک شدم و در شرایط پارتیزانی کار اجرا را یاد گرفتم.

منظورتان از شرایط پارتیزانی چیست؟

خب آن زمان مثل الان گوگل و امکان جست‌وجوی کامپیوتری نبود و نمی‌شد روی اطلاعات فضای مجازی حساب کرد، برای همین ناچار بودم برای یادگیری زیاد مطالعه کنم. اگر از دوستان قدیمی بپرسید یادشان هست که در سفرهایم برای اجرای برنامه‌ها همیشه چند چمدان کتاب با خودم می‌بردم و اواسط سفر چمدان‌ها از فرط سنگینی پاره می‌شد چون هرجا می‌رفتیم باز کتاب می‌خریدم. این کار ۲ نتیجه داشت؛ یکی اینکه از روی مطالعه کار را یاد گرفتم و دوم اینکه الان هم کابینت‌های خانه‌مان پر از کتاب است.

شما که از مطالعه نتیجه گرفتید، این روش یادگیری را به مجریان تازه‌کار سیما هم پیشنهاد می‌دهید؟

بله الان هم سر کلاس‌های آموزش اجرا می‌گویم استاندارد کار این است که برای یک دقیقه صحبت در تلویزیون باید یک ساعت مطالعه کنید.

فکر می‌کنید این استاندارد از سوی مجریان تلویزیون رعایت می‌شود؟

من فرد خاصی را نام نمی‌برم ولی به‌طور کلی می‌گویم سازمان صدا و سیما از آموزش ندیدن مجریان رنج می‌برد. مجری تلویزیون خط مقدم و نمایه بیرونی سازمان است و باید قبل از شروع کار آموزش ببیند، اما در تلویزیون بعد از چند سال اجرا، تازه یادشان می‌افتد مجری را به کلاس‌های آموزشی بفرستند.

از سال ۱۳۸۱ وارد تلویزیون شدید. مردم شما را با کدام برنامه شناختند؟

قبل از تلویزین مردم من را از رادیو و با صدایم شناختند. هر جا می‌رفتم می‌گفتند صدایتان خیلی آشناست، شبیه صدای رضا هگذر است که برنامه قصه ظهر جمعه را اجرا می‌کند و... وقتی وارد تلویزیون و شبکه ۴شدم محاسن بلندی داشتم آن موقع هم به‌خاطر محاسن بلندم چهره‌ام به یاد مردم ماند و لابد پیش خودشان می‌گفتند این همان است که محاسن بلند و حسنش کوتاه است! بعدها که برنامه سحرگاهی تلویزیون را اجرا کردم در کوچه و خیابان می‌شنیدم که می‌گفتند «این همون آقایی است که بدون متن اجرا می‌کنه» یا «این آقا رو ماه رمضون تو تلویزیون دیدیم و...» و من خیلی خوشحالم که اسمم به برنامه‌های ماه رمضانی گره خورد.

به‌خاطر برنامه‌های سحری هم هست که در فضای مجازی تعبیر «مرغ سحر تلویزیون» را برایتان به‌کار برده‌اند. نخستین بار چه کسی این لقب را به شما داد؟

بله اما دقیقا نمی‌دانم نخستین بار چه‌کسی این تعبیر را به‌کار برد. ولی تعبیر بزرگی است. امیدوارم قابل و لایق این صفت باشم. البته خیلی‌ها قبل از من برای برنامه سحر زحمت کشیدند.

کمتر پیش آمده که در اجراهایتان به متن نگاه کنید، پیداست حافظه خوبی دارید؟

بله حافظه خوب در کار ما یک ضرورت هست و معتقدم کسی که حافظه خوبی ندارد، نباید وارد کار اجرا شود، چون دوربین چشم مخاطب است و اگر قرار باشد مجری نگاهش را از دوربین بگیرد و به کاغذ نگاه کند، ارتباطش با مخاطب قطع می‌شود. سر کلاس‌هایم همیشه می‌گویم اگر مجری تلویزیون بخواهد از روی کاغذ بخواند توهین به فهم و درک مخاطب است. مگر بازیگران سینما یا تئاتر از روی فیلمنامه و نمایشنامه می‌خوانند؟ مجری جز در مواقعی که بخواهد نقل قولی را از روی سندی بخواند، حق استفاده از متن را ندارد. خدا توفیق داد امسال در روزهای تاسوعا و عاشورا از صبح تا نیمه‌شب برنامه داشتم و ۶۷جلد کتاب معرفی کردم و موضوع‌شان را روایت کردم چون همه را خوانده و به آنها مسلط بودم، نیاز نبود از روی کتاب بخوانم. این هنر مجری است. اگر قرار باشد از روی کتاب و متن و نوشته بخواند باید پرسید با چه فضیلتی رفتی مجری شدی؟

ماه رمضان امسال برنامه سحرگاهی «صبح روز بعد» را روی آنتن زنده داشتید. از این برنامه چه بازخوردی گرفتید؟

جدیدترین بازخوردی که گرفتم به چند روز قبل برمی‌گردد. از سفر اهواز آمده و در فرودگاه منتظر چمدانم بودم که چند آقا و خانم که در عرف ظاهر مذهبی نداشتند و اصطلاحا کم‌حجاب بودند، جلو آمدند و درباره برنامه صحبت کردند. یکی از خانم‌ها گفت: «شما در برنامه درباره خانم‌فرنگیس حیدرپور (بانوی دلاور کرمانشاهی که زمان جنگ با تبر یک بعثی را کشت و یکی را اسیر کرد) صحبت کردید و من به‌خاطر دیدن تندیس این زن به کرمانشاه رفتم و...» من از این بابت که یک برنامه تلویزیونی می‌تواند یک راه را نشان دهد خیلی خوشحال شدم و به‌خودم نهیب زدم تماشاگر برنامه‌های معارفی لزوما آدم‌های مذهبی نیستند چون معارف یعنی شناخت خدا و راه‌های شناخت خدا بی‌انتهاست.

یعنی خودتان را مجری برنامه معارفی می‌دانید؟

بله، برخلاف برخی همکاران که برنامه معارفی و قرآنی اجرا می‌کنند ولی خودشان را مجری معارفی نمی‌دانند، اگر قابل باشم با افتخار خودم را مجری معارفی می‌دانم هر چند که حدود ۵سال اجرای برنامه‌های اجتماعی «صبح بخیر ایران» و «سلام تهران» را هم داشته‌ام. البته بین برنامه معارفی و مناسکی متفاوت هست. این را هم اضافه کنم که بسیاری از برنامه‌های تلویزیون مناسکی هستند و آیین‌های مذهبی مثل سینه‌زنی و نذری‌دادن و علم‌کشی و... را نشان می‌دهند، اما برنامه معارفی که شناخت بدهد کمتر داشته‌ایم.

با گذشت زمان و در این دو دهه که از حضور شما در تلویزیون گذشته، سلیقه مخاطبان تلویزیون فرق کرده است، این موضوع در سبک اجرای شما هم تأثیر گذاشته؟

بله مخاطب فعلی، مخاطب دهه ۸۰نیست. با گسترش شبکه‌های اجتماعی، افزایش شبکه‌های رقیب تلویزیونی و... سطح انتظار مخاطب و ذائقه مخاطب تغییر کرده است. مردم حوصله‌هایشان حقیر و فرصت‌هایشان فقیر شده و برای این مخاطب نمی‌توان ۱۰دقیقه صحبت کرد، باید مینیاتوری و خیلی خلاصه و ریز و حداکثر در ۵۰ثانیه نکته‌ها را گفت.

بزرگ‌ترین ترستان در زندگی چیست؟

شاید باورتان نشود بارها این خواب و کابوس را دیده‌ام که قرار است تا چند دقیقه دیگر روی آنتن زنده اجرا داشته باشم اما مطالعه نکرده‌ام و آمادگی ندارم. ترسم این است که این کابوس واقعی شود البته خدا را شکر در واقعیت هیچ‌وقت اتفاق نیفتاده است.

نامتان در لیست بازیگران یک‌سریال کمدی دیده می‌شود که هنوز پخش نشده است. چه شد که وارد عرصه بازیگری شدید؟

بله در سریال طنزی به نام بیست کوبید قرار است بازی کنم. آقای رشید حاجتمند، تهیه‌کننده این سریال، تهیه‌کننده ویژه برنامه باران که سال گذشته اجرا کردم هم بود و پیشنهادشان را رد نکردم. دلیل انتخابشان هم این بود که گفت می‌خواهم مردم آن شخصیت شوخ‌طبع فرزاد جمشیدی را هم ببینند. البته قبلا هم برای سینما و تئاتر و تلویزیون پیشنهاد بازیگری داشته‌ام، برخی از طرف دوستان کارگردانی بوده که هم‌دانشگاهی بودیم و شناخت داشتند.

این سریال قرار است چه زمانی پخش شود؟

فصل زمستان پخش می‌شود. البته یک هفته دیگر ضبط سریال تمام می‌شود ولی هنوز سکانس‌های نقش من ضبط نشده چون در این مدت خیلی سرم شلوغ بوده و ضبط سکانس‌ها به تعویق افتاد.

به بازیگری علاقه دارید؟

بدم نمی‌آید در سریال‌هایی که مربوط به مشاهیر کشورمان است، بازی کنم اما دوست ندارم به شخصیت اجرایم لطمه وارد شود.

یعنی اجرا را به بازیگری ترجیح می‌دهید؟

بله همانطور که ما می‌گوییم بازیگران به صرف اینکه چهره سینمایی و تلویزیونی دارند، نباید وارد اجرا شوند، مجریان هم نباید به این صورت وارد بازیگری شوند.

صحبت از مجری- بازیگران شد. این روزها حرف و حدیث درباره دستمزد بالای برخی مجریان و بازگشت مجری بازیگرها به تلویزیون در فضای مجازی داغ شده. نظر شما در این‌باره چیست؟

من رضا گلزار را مجری نمی‌دانم چون به صرف بازیگری وارد عرصه اجرا شده و دانش این کار را ندارند. بارها هم گفته‌ام بیشترین صدمه را به بدنه اجرا بازیگرها زده‌اند. اما رضا رشیدپور مجری کاربلد تلویزیون هست. از رادیو وارد تلویزیون شده و مسیر حرفه‌ای را گذرانده، عنصر صدا را دارد، آنتن را می‌شناسد و شرایط یک مجری خوب را دارد. حالا اگر کسی از او خوشش نمی‌آید می‌تواند برنامه را نبیند. نمی‌تواند جای بیننده‌ها و ذائقه عمومی نظر دهد. درباره دستمزد بالا هم اگر مجری حرفه‌ای و خلاق بتواند جوری برنامه را اجرا کند که برای برنامه مخاطب جذب کند چه اشکالی دارد؟ فراموش نکنیم اجرای زنده در تلویزیون یکی از دشوارترین کارهاست.

به‌طور کلی از عملکرد تلویزیون و رسانه ملی راضی هستید؟

یک اتفاق خوبی که با مدیریت جدید تلویزیون افتاده دعوت از مجریان قدیمی است. خبر دارم که از همه دعوت کرده‌اند حالا یکی مثل من زودتر آمده و یکی دیرتر می‌آید. برخلاف همه هجمه‌ها، با استدلال می‌گویم تلویزیون یکی از پرمخاطب‌ترین رسانه‌ها و بردش تا شهرها و روستاهای دور دست کشوراست. تا روزی که نفس می‌کشم خودم را مدیون تلویزیون می‌دانم. این تلویزیون بود که مرا به کربلا، مکه و سایر عتبات فرستاد و از من مجری معارفی ساخت. من از مخاطب تلویزیون بسیار می‌ترسم و برایش ارزش بسیاری قائلم و تلاشم این است که از مخاطب جا نمانم.

دکتری علوم قرآنی

متولد: ۱۳۴۹ تهران

روزنامه‌نگار، مجری تلویزیون با اجرای برنامه‌های یاد خدا، ماه خدا و...

کوی محبت

این شب‌ها ویژه برنامه اربعینی «کوی محبت» با محوریت پوشش مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی با اجرای فرزاد جمشیدی و مهدی اعرابی از شبکه ۲پخش می‌شود. مهمانانی که در این برنامه حاضر خواهند شد با یادی از محبت اباعبدالله الحسین(ع) و بیان معارف دینی، سعی می‌کنند نمایی از مسیر عاشقی زوار و عاشقان این سفر معنوی را به تصویر بکشند. گفت‌وگو با کارشناسان دینی، هنرمندان، موکب‌داران، زائران اربعین، مداحان و شاعران آیینی هم از دیگر آیتم‌های این برنامه است.

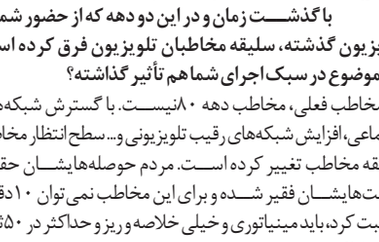

من، فرزاد جمشیدی بچه جنوب شهرم!

در یک خانواده پر جمعیت در یکی از مناطق جنوبی تهران نزدیک راه‌آهن به دنیا آمدم. مادرم مهربان‌تر از ماه و پدرم از فضلای دستگاه ثبت اسناد و املاک کشور بود و از کودکی مرا با کتاب و کتابت آشنا کرد؛ یعنی علاوه بر کتاب خواندن، به کلاس‌های انجمن خوشنویسی سپرد و حاصلش خط خوشی است که خیلی به من در کار و زندگی کمک کرد. پدر و مادرم را در سال‌های اخیر و به فاصله کوتاهی از دست دادم. خواهر و برادرهایم هم ذوق و قریحه ادبی دارند، اما مثل من دیده نشده‌اند. در دانشگاه رشته حقوق، کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی خواندم و دکتری علوم قرآنی و دکتری ادبیات تطبیقی دارم.

اجرا در روز فوت خواهر

مخاطبان برنامه «صبح روز بعد» که سحرهای ماه مبارک رمضان امسال از شبکه ۲پخش می‌شد، حتما اجرای جمشیدی در برنامه‌ای که داغدار خواهرش بود را به یاد دارند و شاید تعجب کرده‌اند که این مجری با وجود اینکه سوگوار خواهرش بود، مثل روزهای گذشته با آرامش برنامه را اجرا کرد. جمشیدی از آن روز به‌عنوان تلخ‌ترین روزهای زندگی‌اش نام برده و درباره آن اینطور یاد می‌کند: «آن روز برای دومین‌بار داغ خواهر دیدم. نخستین‌بار در ۲۴رمضان سال ۸۷ وقتی اجرای زنده برنامه سحر را داشتم یکی از خواهرانم فوت کرد و امسال هم درست در روز ۲۴ ماه‌رمضان در سوگ خواهر دیگرم نشستم. آن روز یکی از عزیزترین‌های زندگی‌ام را از دست داده بودم و این غم و مصیبت بزرگی بود، اما چون به‌لحاظ حرفه‌ای مجری نباید مردم را در غم و اندوه شخصی شریک کند، نمی‌خواستم موضوع روی آنتن گفته شود. برخلاف خواسته من، صابر خراسانی که در برنامه بود این موضوع را روی آنتن اعلام کرد و به اصرار آقای بامروت‌نژاد مدیر شبکه ۲ پیراهن مشکی پوشیدم. همیشه سر کلاس‌های آموزش اجرا می‌گویم مجری هم یک انسان است گاهی روزها و لحظه‌های دشواری را می‌گذراند و بسیار غمگین است اما باید بین زندگی شخصی و شغلش فاصله ایجاد کند.

دشوارترین اجرا

جمشیدی که تجربه بسیاری از اجرای برنامه‌های مختلف مذهبی و اجتماعی دارد، برنامه استقبال از ناوگروه ارتش را دشوارترین اجراهای این سال‌ها می‌داند و در این‌باره می‌گوید: یکی از دشوارترین‌ها اجراها را ۲۹اردیبهشت امسال در مراسم استقبال از ناوگروه ۸۶ارتش در بازگشت از سفر دور دنیا داشتم. در برنامه‌های ارتش مرسوم است که قاری و مجری میدان، نظامی باشند، اما به‌خاطر اینکه سال‌هاست متن‌های برنامه‌هایشان را من می‌نویسم اجرای برنامه را به من سپردند و در واقع برای نخستین بار در تاریخ ارتش جمهوری اسلامی ایران یک برنامه رسمی میدان را یک مجری کت و شلواری اجرا کرد. برنامه با حضور فرماندهان ارتش و خانواده اعضای ناوگروه و حدود ۵هزار ارتشی به‌صورت زنده از شبکه یک پخش می‌شد. اجرای دشواری بود؛ نه از این حیث که اجرا بلد نباشم، برای اینکه قرار بود برای این کار بزرگ اجرا کنم. در ذهنم دنبال واژه مناسبی که لایق آن دلاورمردان باشد می‌گشتم و در نهایت این جمله را انتخاب کردم «لاف و گزاف نیست اگر کره زمین را سکه‌ای کنیم و دور سر این دلیرمردان بگردانیم.»